

امام قلیخان فرزند الله و دردیخان

وجود قسمتی از خاک ایران در دست پرتقالیان و بنای قلعه مستحکم آلبو کرک (۱) در جزیره هرمز مایه ایجاد انقلاب بزرگی بسال ۱۶۲۱ میلادی مطابق ۱۰۳۱ هجری در میان جامعه ایرانی شد بقسمی که شاه عباس را بر آن داشت تادر وضع خارجیها و تجارت آنان در ایران تجدیدنظری کند و چون گرفتاری سابق باعثمانی که مجال حل و تصفیه این امر را نمیداد دیگر وجود نداشت یعنی ایران باعثمانی در حال صلح بود لذا شاه موقع را مغتنم شمرد و برای اینکه قبلا موضوع را به پرتقالیها تذکار دهد به قنبرخان (۲) حاکم لار امر فرمود که بعنوان ملک خود خراج بندر و جزایر ایرانرا از پرتقالیها بخواهد و از طرف دیگر امام قلیخان فرمانده نیروی فارس را مأمور تصرف متصرفات پرتقالیها کرد بنابه فرمان شاه امام قلیخان ابتدا باید بندر (کمپرون) را تصرف کند و سپس چاره برای تسخیر سایر قسمتها بیندیشد لذا پس از مشاوره زیاد باسر کرده ها تصمیم گرفت به میناب حرکت (۳) کند

همینکه خبر احتمال ورود امام قلیخان به آن شهر رسید حاکم آنجا باغ بزرگی را که عمارت زیبایی در وسط آن قرار داشت برای فرزند رشید ایران تخصیص داد و کلیه وسائل طرب نیز از طرف عاملین وی فراهم گردید و اهالی نیز به تزئین شهر پرداختند دیری نکشید که ساعت انتظار سپری و ورود امام قلیخان نزدیک شد حاکم باعده ای از همراهان خود باستقبال روانه شدند و در نیم کیلومتری میناب بجلو داران سپاه امام قلیخان برخوردند دیری

(۱) - آلفونسو دو آلبو کرک در سال ۱۵۰۳ میلادی با آنها آمده بود و میخواست مستعمرات بزرگی را برای پرتقال در مشرق ایجاد کند در سال ۶-۱۵ نیز با ۱۴ کشتی بمشرق آمد و در نقاط لازم به تهیه استحکامات پرداخت از جمله یکی همین قلعه هرمز است .

نقل از صفحات ۷۸ و ۷۹ کتاب خلیج فارس .

(۲) - نقل از کتاب فارابوسا زیر نویس از کتاب خلیج فارس .

(۳) - صفحه ۱۱۱ - از باب اخراج پرتقالیها از کتاب خلیج فارس

نکشید که سردار ایران نیز فرارسید حاکم و سایرین برای ادای احترام از مرکب پائین آمدند و حاکم گزارش حوزه مأموریت خود را به عرض رسانید ضمناً بتوصیف باغ نیز پرداخت امام قلیخان که مردی سرباز بود این پذیرائی را شایسته یک مرد جنگی ندانست دستور داد که خیمه او را در میان چادرهای سربازانش در دامنه کوه برپا دارند زیرا میل نداشت حتی یک دقیقه هم از سربازان خود دور بماند شب هنگام که سربازان به دسته های کوچکی تقسیم شده و به عیش و طرب مشغول بودند افسران ارشد در میان مهتابی که صحنه زمین را غرق نور کرده بود در باب حمله آتیه گفتگو میکردند فقط امام قلیخان با چند نفر دیگر که انتظار ورود کسی را میکشید به تفکر پرداخته بود بالاخره در لحظه آخر خوشبختانه در نور مهتاب کشمشکی مشاهده شد و پس از رسیدگی معلوم گردید قنبرخان گرفتار کشیکچی هاشمه و او را رها نمیکند لذا به کشیکچی باشی که حضور داشت امر شد که قنبرخان را بچادر راهنمائی کند پس از حضور حاکم لار دستور داده شد که تمام سر کرده هادر چادر فرماندهی حضور یابند قنبرخان ضمن عرض گزارش اینکه دعوی مالکیت وی بر جزایر قشم و هرمز و بندر کمبرون از طرف پرتقالیها رد شده است باستحضار رسانید که در بندر جاسک ورود چند کشتی تجارتمی انگلیسی را بوی گزارش داده اند از این پس امام قلیخان رشته کلام را بدست گرفت و گفت در این موقع که امر تصرف قسمتی از خاک ایران بعهده این سرباز محزون است باینکه بهر نحو که مقتضی است پرتقالیها را از کشور براند و این ننگ را از دامن ایران بزداید ما نباید اجازه دهیم که بیگانگان ما را از حق طبیعی و مسلم خود محروم کنند و نیز نباید اجازه بدهیم در گوشه ای از خاک ما کسانی باشند که در اطاعت دولت دیگری بسر برند و در مقابل تقاضای مشروع ما باسلحه متوسل شوند و جواب حرف حساب را با توپ بدهند. ما باید قبلاً در اینجا تمام اشکالات کار را بررسی و بعد بحمله مبادرت کنیم زیرا در مقابل سلاحهای سنگین پرتقالیها سربازان فقط دارای تعداد کمی تفنگ میباشند و بقیه تیرو کمان و زره و خود دارند (۱) با وجود این تصرف بندر کمبرون چون از راه خشکی میسر است نقشه مطروحه بموقع اجرا گذارده

(۱) - علاوه اسلحه و تجهیزات ایرانیها هم کامل نبود و جز تفنگهای کوچک و تیرو کمان و شهاب سلاح دیگری نداشتند و حتی عده ای از روسای آنها زره و جوشن پوشیده بودند نقل همین عبارت از کتاب خلیج فارس.

خواهد شد و تنها اشکال بزرگ مانداشتن کشتی برای حمل سربازان بجزیره قشم و هرمز و یالاقل کشتی محافظ میباشد زیرا قایقهای کوچکی که ایرانی های میهن پرست برای این کار درست کرده اند در مقابل کشتی های جنگی پرتقالیها و توپخانه قوی آنها قابل دوام و بقا نمیباشد و اگر پرتقالیها قایق های کوچک را زیر آتش توپخانه بگیرند نتیجه این میشود که سربازان خود را دست بسته تسلیم مرگ کرده و بدون حصول کوچکترین نتیجه ای بیگانگان را جری ترو بر کشور مسلط تر کرده باشیم و ای اگر قایقهای ما بتوانند در پناه کشتی بزرگی نیروی ما را در جزایر پیاده کنند با وجود نقص اسلحه باز هم فتح با ماست لذا باید از موقع استفاده کرد و از رقابت بین انگلیس و پرتقال نهایت فایده را برد و بهر وسیله که ممکن است بار و سالی کشتی های جدید را ورود انگلیسی به بندر جاسک برای فتح هرمز استفاده کنیم لذا یکی از شما دعوت مرا برای دیدار رؤسای کشتی بآنان ابلاغ کنند تا در این باب مذاکره کنیم فوراً یکی از سر کرده ها سواره راه جاسک را پیش گرفت و دعوت امام قلیخان را با اطلاع رسانید.

انگلیسیها به دعوت امام قلیخان پاسخ مثبت دادند و به همراهی فرستاده وی روانه شدند و ضمناً برای امام قلیخان هم فرصتی شد که در این مدت با امور داخلی بپردازد و برای تصرف بندر کمیزون از هم اکنون اقداماتی را که مقدور است انجام دهد رؤسای کشتی انگلیسی نیز پس از چند روز وارد و با استقبال شایان ایرانیان مصادف شدند و پس از قدری استراحت با کمک مترجم صحبت شرکت انگلیسیها در جنگ بین ایرانیان با پرتقالیها بمیان آمد ولی انگلیسیها سخت امتناع کردند و چون امام قلیخان دید که سخنانش در آنان مؤثر نیفتاد شروع به تهدید کرد و انگلیسیها را بتوقیف ابریشم و قطع مواصلات تجارتی تهدید نمود. عاقبت باصرار (هونو کس) نماینده کل کمپانی رؤسای کشتی حاضر بهمکاری با ایرانیان شدند و قرار شد آنچه از مهمات و سایر مخارج که بر انگلیس ها تحمیل شود نصف آنرا ایران بپردازد و نیز قلعه آلبو کرک بتصرف انگلیسها داده شود با شرط اینکه ایرانیها قلعه ای در مقابل آن برای خود بنا نکنند و نیز غنائم حاصله بطور تساوی بین طرفین تقسیم گردد و اسرای مسلمان در اختیار ایرانیان و اسرای مسیحی در اختیار انگلیسیها قرار گیرند و نکشند که کشتی های انگلیسی در مقابل جزیره هرمز لنکر

انداختند تا کشتی های پرتقالی را متوجه خود سازند در همین موقع ارتش ایران به بندر کمبرون حمله کرد و پس از جنگ بسیار سختی مقاومت پرتقالیها را درهم شکست و بندر کمبرون را بتصرف آورد بلافاصله ۲۰۰ قایق کوچک حمل سپاه ایران را بطرف قشم آغاز کردند.

امام قلیخان اول کسی بود که با وجود سرسختی پرتقالیها در جزیره پیاده شد و پس از جنگ خونینی که بین قوای پرتقالی و سربازان ایرانی در گرفت ایرانیان با سپر و نیزه و خنجر در مقابل پرتقالیان به نبرد پرداختند. پس از استقرار در جزیره و قلع و قمع پرتقالیها نبودن آذوقه و آب ایرانیان را سخت تهدید میکرد زیرا هنوز کار با تمام نرسیده و جزیره هرمز و قلعه مستحکم آن با ذخائر کافی از مهمات در دست پرتقالیها بود و ممکن بود کمک نیز برای آنها برسد در این موقع کشتی های تجارتنی انگلیسی بحمل آب و آذوقه از بندر کمبرون به جزیره قشم برای ارتش ایران اقدام کردند ارتش ایران پس از دفن شهداء و عودت مجروحین به خشکی متوجه جزیره هرمز شد پرتقالیها بانواع وسائل متشیب شدند تا از پیاده شدن ارتش جلوگیری کنند ولی مفید واقع نشد سربازان ایرانی که قایق هایشان در اثر امواج گلوله توپ های پرتقالی واژگون میشد شنا کمان خود را به ساحل جزیره میرساندند بالاخره پس از صدمات زیاد و فداکاریهای مجیر العقول سپاه ایران توانست نقطه اتکائی در جزیره هرمز بدست آورد و رفته رفته آنرا توسعه دهد پرتقالیها پس از جنگ سختی بداخل قلعه مستحکم آلبو کرک پناه بردند و سربازان ایرانی بقیمت جان خود توانستند در دیوار قلعه شکافی وارد آورند (۱) و در قلعه رخنه کنند پرتقالیها با آتش توپ و تفنگ بایرانیان حمله کردند امام قلیخان چاره را در آن دید که شهر را آتش زند و بفرمان وی شهر هرمز را آتش زدند. در این موقع انگلیسیها هم یک کشتی جنگی پرتقالی را آتش زدند جنگ در میان آتش و خون ادامه یافت فریادها و ناله ها و استغاثه ها اثری نیخشید و مادام که پرتقالیها تمایل به دوام جنگ داشتند ایرانیان ساکت نشستند و همیشه این تمایل از طرف پرتقالیها باتسلیم خود بانگلیسیها پایان یافت ایرانیان دست از جنگ کشیدند و امام قلیخان در حالیکه چند زخم داشت در بین اجساد

شهداء بیرق ایران را بر فراز قلعه مستحکم هرمز باهتزاز در آورد در این جنگ تلفات ایرانیان به هزار و قلفات انگلیسیها به ۲۰ تن (۱) بالغ گردید خبر این فتح بزرگ و فداکاری ارتش ایرانیان را غرق در سرور نمود و شاه عباس اجازه داد که نام بندر کمپرون را بنام وی بندر عباس بنامند.

این بودیک صفحه دیگر از فتوحات درخشان ایرانیان و فداکاری سربازان ایرانی و شمه‌ای از دلاوری سردار نامی ایران امام قلیخان فرزند الله‌وردیخان در سال ۱۶۲۲ میلادی مطابق با ۱۰۳۲ هجری.

(۱) - صفحه ۱۱۴ از کتاب خلیج فارس

